

Subject:

Year . Month . Date . ()

Session 1

* 4 تا 5 خانقاره نویسی داریم در این بخش یعنی عنوان معیاره

1) Addressing the topic } دوباره باید حرف زد 60-70 درصد نمره

2) Organization } سازمان دهی کردن writing - پاراگراف

3) Diction } انتخاب واژه

4) Grammar } گرامر 30-40 درصد نمره

* چند نمونه استایل

باید پروژه را سریع راه اندازید، ترجیح می دهیم از الان شروع کنید
یا یک هفته آخر؟ بحث time

باید پروژه برای یک ماه آینده دارید، ترجیح می دهیم باید ایده عملی از الان
اولی آن کار کنید یا یک ایده خوب در هفته آخر؟ بحث idea

* اول Topic را به دقت بخوانید بعد شروع کنید به نوشتن. تا تفهیم در Topic چی هست کاری
کنید. تو GRE ایم topic off ببرید، نحوه منتی لبرید. حداقل دو بار topic رو بخونید.

Vertically challenged

کسانی که مشکل قدی دارند
↓
یا دراز یا کوتاه اند.

Mentally challenged

کسانی که مشکل روحی و روانی دارند

Physically Challenged

کسانی که دارای معلولیت هستند

↓
Disable

Subject:

Year . Month . Date . ()

* Organization *

نظم 4 یا 5 پاراگراف مجاباً

تعداد پاراگراف های GRE, IELTS دخواه!

- * در هر پاراگراف، فقط یک موضوع را توضیح دهید.
- * برای writing نوشتن، با plan داشت، plan بنویسید! وقت زیادی مصرف نکرده، اما هر چه قدر طولانی تر بنویسیم، منصرف تر می شویم!
- * و هر پاراگراف باید یک Topic Sentence داشته باشیم. ابتدای پاراگراف باشد. خطی که از کل اون پاراگراف رو به چپ می کشیم، در رابطه Concept چیزی Topic رو باید بسج ببریم.
- * هم برای writing هم Speaking باید plan داشته باشیم.

* Diction *

- Grammar ساده، کم کم پیچیده می کنیم.
- کلمات ساده انتخاب کنیم.
- آه به دو یا سه بار تکرار کنیم حداقل 24
- کلمات قلمبه سلمبه، کل writing را نابود می کنه.
- Plan نوشتن مجاباً 3-4 min طول می کشه، توضیحش 25-26 min خوب می نویسیم.

arthropod → بندپایان Analgesic → مسکن * prone → مستعد *

* طبعی مستعد بحث معنی داره.

Subject: _____
Year: _____ Month: _____ Date: _____ ()

Capable - able - Capacity ^{معنی مستعد}
prone ^{معنی مستعد}
to be prone to do sth - prone to make mistake -
to be prone to sth

They're prone to disease - So sceptible -
to be subject to sth - to be vulnerable to the sth
↑ آسیب پذیر بودن نسبت به چیز دیگر

Lanky → دراز و باریک ^{عالم} prometer → ^{محیط}
Fogey → (امپرسیو) پیرانگه
environment → جو، فضا → atmosphere

tendency → تمایل
propensity → تمایل به چیز دیگر
proclivity → تمایل به چیز دیگر

Eng → Eng ^{اول} definition های طیاره، روحیه، به مثال؟
Eng → Eng ^{علاقه املائی} 5-6 خط معرک (خط سطح C) به همون نسبت بشه کم و بیش
اما این خط به همونک باشه معنی طیاره و روحیه کنه به شدت کاهش میده
از خطی minor عبور کنه به خطی major

Ethical = moral → اخلاق و تقوا ^{minor}
moral = spirit → روحیه → [↑] diction (مطابق)
sprite → نوسان بخارزار
button → دکمه
bottom → پایین
advise → verb
advice → noun → ^{معنی} major

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

* Writing حار و نوی Word pad تایپ کرده، در word کیب می کنیم؛ خطای را چک می کنیم
همین بار تایپ می کنیم، تا این مشکل غلط املایی حل بشه.

تکمیل کردن → put on with

* Grammar:

این خطاها برای این بخش است.
دو تا طبعی قبل و بعد از این عبارت باید مقصود باشند on the other hand →

on the other hand → برعکس =
از سوی دیگر
in addition, additionally → به علاوه =

اول به مطلبی را می نویسیم، بعد in better words = in other words می آوریم
یعنی جمله دوم به نحوی دیگر یا با طبعیات دیگر می آوریم. به عبارت دیگر به بیان بهتر

طبعیات ربط رو دقیقاً جور که استفاده می کنیم native با همین بنویسیم
writing از نوع independent باید 400-650 کلمه بنویسیم. مثلاً تکرار نیست
despite the Fact that, in spite the Fact that, due to the Fact that
because of the Fact that, in view of the Fact that

استفاده کنیم از of the fact that و حرف بنویسیم writing از هم بیاییم - غلطی!
glassary کتاب است و بنویسیم از How to use the book شروع به خواندن کن!

بسیار طبعیات با هم می بینیم }
quite a few → many زیاد
quite a bit of → many زیاد

Subject:

Year. Month. Date. ()

invaluable → بسیار باارزش
priceless → از شدت باارزشی، قابل قیمت گذاری
worthless = valueless → بی ارزشی

rather than → * [و نه] * → مجازاً rather than، یعنی و...
instead of → * [و نه] * → امری تر است، از اول استفاده کنیم
همه چیز را، یعنی وقت و...
و نه

* وقتی "و نه" می خوانیم ترجمه کنیم باید ترجمه کنیم هیچ ترجمه وجود ندارد، مثلاً:
American students rather than Sherif students were the ones who
Finish this project → دانشجویان آمریکایی، و نه دانشجویان شریف، کسانی بودند که پروژه را به اتمام رسانند.
له هیچ ترجمه وجود ندارد، صرفاً Fact عدا!

centre → British
color → American
Fulfil → British
British → سفارت
Colour → British
Center → American
Fulfill → American
به جز:

* اگر ically در ته طاعت داریم "ایلی" (/Ikli/) می خوانیم.

practically = /praktikli/
almost = تقریباً = virtually = all but = almost → مجازی، ایلی
in practice = در عمل
mathematically = /maθə'matiks/

PAPCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

In Comparison with = نسبت به

* warning ← in compare with ← نزدیک ← محاذ است! ← غلط! ← داریم همین چیزی!

as compared to/with = در مقایسه با

discriminate against = تبعیض قائل شدن نسبت به

discriminate between = تمایز قائل شدن بین دو چیز

would rather = ترجیح دادن

you'd better = بهتر است

* درست های Vocab: باید به متن دقت کنیم! / درست های Vocab: به صورت

contextualize: یعنی باید ببینیم توی متن چه معنی ای داره. یعنی وقت ها این معنی ها هست توی dictionary نیست.

appreciate: چهارتا معنی داره

① to be thankful to s.b - to be grateful

to be indebted to s.b - to be in s.b's debt

appreciate s.b

② admired

③ recognize → acknowledge - realize - understand / درک کردن

④ increase → بالا رفتن ≠ depreciate = کاهش آمدن
depreciate: 2 تا معنی داره - کاهش آمدن و تحقیر کردن / رذیل کردن

to be kind to/toward s.b → نسبت به کسی مهربان بودن

* ترجمه ای طعنه ای نسبت به هر چیزی با rather than! / نسبت به

incessant = never stopping, specially in an annoying or

unpleasant way.

Subject: _____
 Year: _____ Month: _____ Date: _____ ()

Topic: Which one is better? Coed classes or segregated schools?

Coed — جواب — پس باید تا حد امکان این جواب رو support
 اینم — قبل از نوشتن Brain Storming. Writing — پس از 3-4 ایده ها جدا
 Coed بجز موارد به ذهن می رسد رو بنویس Competition - marriage
 Communication - Share ideas - view point - motivation - social skills -

plan برای agree/disagree نوع 2, preference

Coed	دولایه	Segregated
امکان داره، از چیزهای مفیدی support کنی، خوب نیست، به کوچولو هنرستان، برای کار و هم زنی کنی این کاره Critical thinking 100% خوب نیست	دوست دارم ایضا می آید Communication marriage Social Skill	امکان داره، از مخالفت و بیگانه Critical thinking دانش با شکر، قدری از خود جای این قسم هیچ چیز وجود نداره بهر بهر
* Details:	↓	* details
interaction girls and boys امکان یک سری مشکل به وجود میاره پس آفت منفی باره ⊖ disrespect ⊖ misunderstanding منفی سریع ⊖ ⊖ But over time, acquire skills Future life { marriage - business social - educational ⊕ success and ⊕ homogeneous society	از قسمت Brain Storm ⊕ No stress, Comfort zone but ⊖ exposure Future ⊖ marriage Failure ⊖ * Almost no successful cooperation اعدا از جهات قطعی (certain) روی writing استعدادهای اینم !!!	plan نویسی ⊕ No stress, Comfort zone but ⊖ exposure Future ⊖ marriage Failure ⊖ * Almost no successful cooperation اعدا از جهات قطعی (certain) روی writing استعدادهای اینم !!!

در انتهای این جدول 70% از یک طرف نوشته شده

1/1/1
 * تکلیف از تکلیف های کلاس برای نوشتن writing ، استفاده از زبان است . یعنی
past → present → Future . مطالب رو به آینده وصل کنید .
 * جواب وقت توی writing ، مقرر قطعی ، لاا باید ، نه درباره ی خوبی عوض و دایره support
عکس کنید ، نه درباره بسی اول یک → از کلمات مثل almost استفاده کنید .
 * اعلا و ابداً از statistics و personal experiences استفاده کنید .

غرض زیر 20 غرض بالا از 24 بسیار
statistics : اگر بنویسیم چون تحقیقات اضری اسم داشته بیا ایم ، عدد و رقم بنویسیم ،
writing میره زیر 18 → از ما reference م خوان ، نه حرف رو خواه !
personal experience : اگر خیلی با تجارت و تجرب بنویسیم خایه 26 ، برای فرار از این ، از
تکلیف Imaginary situation استفاده می کنیم مثلاً :

Imagine a situation / Consider this situation .
 اگر از این تکلیف مهر نه استفاده کنیم ، غرض writing 30 !
 * از کلمات قطعی مثل Certainly استفاده کنید .

1/1/1
 * بهترین تکلیف های writing برای تافل و GRE .
 بعن اسم مکان ، بدون توجه به جست و میزج غیر مستقیم → چیزی که برای همه واقع یا نشد →
 1) Facts : افزایش دادن به یک فیلم ، موسیقی ، کتاب : (اینها رو می توانیم رو خواه بنویسیم)
 2) Anecdote → نقل قول حالی خف : می توانیم حرف فصل رو به کسی که می شناس و با یک دیگر →
 3) Quotes → تحلیل و میزج الهی ، میشه تحلیل هایی لغت که وجود ندارد !
 4) Proverbs → * این 4 تکلیف رو انتها ی پارا گراف می نویسیم .
 * اسم از ایران منه کریم → با عاج اندا .
 * یک شکلی که می توانیم نقل قول با ها ی بنویسیم :

In this regard Edison has a great quote that says: "Success is 99%
 precpriation and only 1% inspiration".

Subject:

Year. Month. Date. ()

Session 2

Grammar

* این فیلم را دوست داریم، هم می توانیم ببینیم "و" و هم "And" بنویسیم:
an amusing, refreshing comedy an amusing and refreshing comedy

* اگر دو تا دوست داشته باشیم، فقط باید "And" بنویسیم:
It is an amusing and refreshing.

either = both → هر دو یکی است tent to = usually

* باید بتوانیم تشخیص بدهیم که دوست داریم یا نه اسمی بر می خورد، محبوسا تری adj clauses
which is حرف شده.

encounter = برخورد کردن

Ali is a student.

subject predicate
عبارت گزاره

noun phrase verb phrase
عبارت اسمی گروه فعلی

* در جمله، نهاد و گزاره دو مشخص کننده نه فعل و فاعل

* هر چه قبل از نهاد اسم اوید، noun phrase، هر چه بعد از فعل اوید verb phrase هست!

* **نکته:** مجموعه ای از کلمات که فاعل یا نهاد و گزاره دارد، مفهوم کاملی رو بیان می کنه و به علامت سوال، تعجب و نقطه ختم می شه. (نه Comma, semicolon)

PAPCO

Year. Month. Date. ()

Ali is a student, and I am a teacher.

independent (ic) clause independent clause (ic)
استقل (i.o) جمله

* دوتا جملے جو حرف ربط سے ایک دوسرے سے مربوط کر دیے جائیں۔
Compound Sentence

* Clause مجموعہ ای از ظہار فقط یہ محاورہ دیکھ لیں۔ یہی مسئلہ و طہی و استسباب۔

* dependent clauses: جمله‌واره‌های وابسته انجرائی می‌باشند. معنی پیدا نمی‌کنند

adj clauses, noun clause, adv clauses

Dependent Clause → Although I was tired (191) : 115

Although I was tired, I finished my job.

phrase = کلمه / اجزای کلام parts of speech =

gerund, n-v adj-adv: parts of speech. Qus 1 *

Studying English is Fun.
 | predicate-VP
 Subject-NP

Phrase * : جملہ های از طرف ... و جملہ های از طرف ... clause ... و جملہ های از طرف ...

دستوری (parts of speech) را اینها می‌گویند.
 اسم داشتن NP و این بخش فعل
 verb phrase
 و این VP
 Noun phrase

Phrase

Sentence → clause → phrase → word
 (جمله) (کلمه) (جمله) (کلمه)

Year. Month. Date. ()

p.p. = past participle — pp = prepositional phrase * قریب‌داد در جزوه *

P + NP/V ing

* متنی تا اسم بعد از preposition فعل، صفت یا قید بیاریم ← باید و باید اسم - ing

فرم نقل (اسم نقل) اسم مصدر یا ورم

In Comparison with (pp) $\rightarrow$ P + NP $\rightarrow$ جاء
 In Compare with (pp) $\rightarrow$ P + Verb $\rightarrow$ لي

pp → adv ⁹⁻فعل . i, b adv ₁ = adj ⁹⁻فعل و لا pp →

The book is on the desk. ✖

subject - NP predicate - VP

Where? → On the desk (PP) → adv. of placing

↑ How - when - where - why ←

PP → نفسی adj

The book on the desk is mine. *

subject - NP predicate - VP

۱) ادغام، ادج⁹ مع⁹ فاعل وعلیه

→ Which book? → The book on the desk → adj

How many - How much - what kind - which one

Subject:

Year. Month. Date. ()

* هر طبعه ای که اطراف اسم می آید و توضیح اضافی برای آن می دهد ← adj

* تعریف بسیار مهم و فقط اینم * 1) Sentence, 2) clause, 3) Phrase, and 4) PP

نوع دارد در Pre-PP می خوانیم /
* جمله 4 نوع دارد: 1) ساده (Simple) 2) مرکب (Compound) 3) پیچیده (Complex) 4) پیچیده-مرکب (Compound-Complex)

for, yet, so
حرف ربط هم پایه ساز FANBOYS ← For, and, nor, But
1) Coordinate conjunctions
2) correlative conjunctions
3) conjunctive adverbs
(*) Compound

1) adj clauses جمله وابسته وصفی
2) adv clauses جمله وابسته قیدی
3) noun clauses جمله وابسته اسمی
(**) Complex

* جمله ساده یک نهاد و گزاره - جمله مرکب 2 clause اند به این صیغه هم وصل می شوند و
3 نوع اند (*):
1) پیچیده: 3 خانواده اند (**)
2) پیچیده-مرکب: 4 خانواده اند (***)
3) پیچیده-مرکب: 5 خانواده اند (****)

Coordinate Conjunctions

* حرف ربط هم پایه ساز: فانت بویز [FANBOYS] نوشته می شوند.
طبیعتاً که قوی این دسته قرار می گیرند 17 هستند به اختصار

For - and - nor - but - or - yet - so

* اول به سراف For می رویم: * For

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

She found a new job for her brother.

Subject NP predicate VP

* هر وقت از این FANBOYS استفاده کنیم، قبل و بعد از آن clause بود باید comma بذاریم. مخصوصاً زمانی که For معنی because of می دهد. ic, [Fanboys], ic

* Independent Clause ** Do not put a period. "x" Bring Fluency!

She remains silent for her heart was heavy.

She remains silent, for her heart was heavy.

* هیچ کدام از این Coordinate Conjunction ها، Fanboys، نباید اول جمله بیان
* دو تا clause هیچ وقت با "،" به هم وصل نمی شوند. ic, ic ← یک است.

* برای Adverb Clause Makers (که جمله پیوسته Complex می سازند)، قبل از اونجا
"،" بذاریم مجبوره. in that, as, because

در صورتی که in as much as به معنی چون، استفاده می کنیم. Since قبل زمانی، Comma بذاریم! optional است ولی بذاریم مجبوره!

* وقتی دو تا جمله با tense های مختلف داریم، مثل اولی present perf، دومی simple past

Since برای زمان حساب می شه و حق نداریم با تا بذاریم.
- He've not letting to the pop since he was 8. (این 8 سالگی حق، یعنی به عنوان مثال است. 8 سالگی)
For time → No comma

- He was not letting to the pop, since he was eight.
حق رفتن به عنوان مثال است. 8 سالگی بود. because → Put comma

Subject:

Year. Month. Date. ()

* استفاده بی جا و نامناسب از Comma → ۱. آوردن را افزودن کند → خطای major
2. اگر مستطقی در جملی ایجاد نکند → خطای minor

In terms of: از نظر

quality → noun (اسم) → کیفیت
quantity → adj (صفت) → کمیت → quantity shoes → کیفی کفش

* آوردن دو تا and و هم مستطقی ندارد اما برای زیبایی بیشتر بهتر است به جای یه از and, as well as بنویسیم. (فقط یاد بگیریم)

as well as → به خوبی
همراه با

* The economy of Iran is ailing. → economy: noun → اقتصاد

* I study economics. → economics → رشته اقتصاد

* economic ties → روابط اقتصادی

* economical ties → کراهات اقتصادی } adj → اقتصادی

* economic problems → مسائل اقتصادی

* هر وقت اسم of اسم داشته باشیم، 99٪ اولش the میاد noun of noun

a mixture of → به جز 39 خبره ی طایف (یک سال نقاش)

* هر موقع به Prepositional Phrase, adv clause → وید جمله بسن و بین دو تا اسم

قراره قبل هم باشن، فاعله بنابر، باید اطراف اون اسم یا comma PP بنویسیم

* هر وقت either یا or بیاریم either قابل حذف است

* بعد از semicolon ";" تو می توانی اضافه کنی یا نه → بعد از ":" تو می توانی اضافه کنی یا نه

Subject:

Year. Month. Date. ()

1) ic ; ic

2) ic ; Ca ; ic

* من و تو ایضا عین جی !

Conjunctive adverbs

Ca : Nevertheless - on the other hand - however - therefor - as a result of sentence

* بنابراین عورت

3) Ali ; Hassan ; my brother Hossein

* امر تقارن آیم جا از 3 آیه بیشتر باشد و یکی از phrase های به این وسط می آید Comma داشته باشد به جاکه جای کردن Comma از Semicolans استفاده می کنیم هر تقارن بین دو تا "و" یک item !

* برای 3 اسم به بالا

FANBOYS

* or *

* اصولاً or دو تا جمله که نسبت به هم وصل می کنه می تونه عبارت منفی رو هم بهم وصل کنه

1) either / ic , or ic

2) either / phrase or phrase

phrase , or phrase

قابل حذف

1, 2 با هم متفاوت ! قابل حذف

Hossein, or my bro

1 همان 2 است ، حق نداریم در این جا either به کار ببریم ، دابسه هین !

① , ② , ③ با هم متفاوت اند

1) Ten million dollars Comma 2) Oxford Comma : دو تا اسم دادن

* در دو جا Comma الزامی است :

Adv , ic → These days ,

PP , ic → In our building ,

اول جمله only باید

اول جمله PP داشته باشیم

FANBOYS

* nor *

ic , nor ic

* nor دو تا جمله که منفی به هم وصل می کنه

* واقعاً reading خیلی د reading never, neither, nor

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

I Can't speak French, nor can I speak German.

1) عبارات nor, can't

2) Subject, verb از این نوع، اجاب جایی است (inversion) به سبب سوال و جواب سوال

3) عبارات nor, comma

* Example * An incompetent manager cannot manage/run/handle a Company well/appropriately/properly/professionally, nor can he or she make a Friendly relationship with his/her/their employees.

In a (an) adj manner/fashion/way → PP
Professional - appropriate
excellent

* noun + ly → adj Friendly - manly

* in an economical way → امری اقتصادی * adj + ly → adv economically

Session 3

* مثال: Ali and Hossein - my brothers - and Reza →
در این جا چون دو اسم علی و حسین و رضا و دوتا
استفاده کردیم، ambiguity به وجود می آید.
Ali and Hossein, my brothers, and Reza →
My brothers, Ali and Hossein, and Reza →

to Face sth → مواجه شدن با (با وی مواجه شدن) → خوف و اجتناب داریم

to encounter sth → مواجه شدن با

P4PCO to confront sth → مواجه شدن با
مثلاً جنگیدن با مأموران → به مواجهه رفتن

Subject:

Year. Month. Date. ()

آنر 3 تا فعل قیاسی Confront, encounter, Face
to be faced with sth
to be encountered with sth
نوامیس شدن
با حرف اضافه with به کار می بریم

خودش از طره → از چیزی که تا پیش از این
Survive → From earlier time → نتوانسته زنده بماند

native بودن ها، توی حرف اضافه، توی a, an, the مسطح نیست. تکیه و intonation هم ت

انواع موهو کا writing

Writing بنویسید - هستی درکی درکی!

1) Preference: *prefer را ترجیح می دهم
introduction موهو کا بنویسید - علت ترجیح این 1

Introduction 1p

Body { 1p → +1 -2 : نکته 1 و منفی ترین 2
2p → +1 -2 : رای خیر کردن
3p → +1 -2 : نکته 1 بر می کنیم از طرف دوم

دلی کم و زود 30٪ غرض در نظر گرفته شده 70٪ 80٪ به نفع است + نکته ای باشد به داریم support
همچون می کنیم، با هم از خودی 2 می کنیم و تمهید می کنیم

Conclusion 1p
پس و پیشین باید سبب اون رو بگویم که داریم support می کنیم
GRE باید هر چه حال مرکی باشد اما در این کار امکان پذیر نیست

نویس GRE باید هر چه حال مرکی باشد اما در این کار امکان پذیر نیست
نویس که بدی که با هم بحث شود و مثلاً سر آخر نتیجه گرفت که هر چه ندارند یا در آخر
تقریبی به هم

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

2) Agree or Disagree

خودت دو نوع داره:

② نوع دومین من Preference می‌مونه، فقط حرفه از Prefer کردن بزه نیست، مثلاً من به آیفون قبول دارم ولی آیفون رو دوست ندارم. book من رو دوست دارم، چون ebook هست؟

Introduction 1 paragraph → منم به نظر من این رو قبول دارم

body { 1 paragraph { + ebook → book
2 " { + " → "
3 " { + " → "

Conclusion 1 "

* 9 مدل writing داریم - این 9 مدل sample بنویس

① نوع اول: Playing games teaches us about life agree/disagree?

این آیفون فقط یک item داره، با همون می‌تونیم هر دو می‌تونیم { کتاب و میزایی داریم - شروع کنیم

Introduction → منم به نظر من اینم های بازی داره (یاد می‌ده به ما)

Body { item 1 → 1 paragraph → Tolerance of defeat
item 2 → " → Teaches us: Discipline
item 3 → " → Cooperation / Social Skills

Conclusion

past → present → future
پشت → حال → آینده
پشت → گذشته → حال → آینده

1, argument, explanation
1, Agree/Disagree (نوع اول) - خودت
خودت رو با خودت مقایسه کن. مثلاً بچه‌ها که بازی می‌کنن، به اعضای سنسور، هر چیزی از سلسله می‌تونن. با بازی کردن می‌تونن از سلسله و موفقیت‌ها، این بازی‌ها می‌تونن سلسله رو قوی‌تر کنن یا این تجربه‌ها می‌تونن دقت بازی سلسله بخورن، از هم می‌تونن

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

1. Topic: موضوع، General هست، مثل قبله که گفته Playing games، مسافت
نموده که agree، Sport games، individual games، video games، با این اول انتقاد کنیم که disagree
با disagree هستیم، Topic: بعد همون میگیریم، ادامه بدیم، یا به صورت کلی درباره
همین Types of Games بحث کنیم، یا توی هر پاراگراف یکی از انواع اون رو بحث کنیم و
در نهایت، توی Conclusion Paragraph، روی Agree or Disagree مانور بدیم، بختی
که یکی از Type ها رو در نظر بگیریم و ادامه بدیم.

2. Task: دو نفر گفتگو، که هر کدوم رو با خود خوشی میایم، نباید تکراری بشه، مثلاً
این حرکت رو فقط توی Paragraph بنویسیم

3) Explanation: Task اول Speaking، بهتر این طوریه، توی Writing کمتر میاد.

Who is the one you admire in your family? why?

Introduction: به کلمه 2 تا دیتوش یا 3 تا دیتوش داره، و خلاصه

Body: ① یک دیتوش
② دو دیتوش
③ سه دیتوش

Conclusion

4) Argument: مثل 3 هست ولی غیر واقعی ← این اتفاق نیفتاده

مثلاً: که من دوستم تو یک کس خارجی زندگی کنی، لجبازی انتقاد می کردیم

Introduction: که من دوستم که زندگی می کنی، چی می خونی؟

Body: ①
②
③

PAPCO Conclusion

t:

Month. Date. ()

IELTS Speaking Task 2 Discuss/Compare/What are the disadvantages of

TV (or games item) (فقط یک item دارد)

اثرات منفی TV و اثرات مثبت TV

Introduction

1 paragraph → + TV
1 → - TV

در کل فقط 4 تا پاراگراف دارد

Conclusion

plan * Agree/disagree 2 preference

1	item 2
①	details
②	

plan * Agree/disagree 1 Explanation & Argue

1	details	مطلب برای آرایه بهترین سفری به دانسته
2	1) Companions 2) entertainment	details details

Subject:

Year. Month. Date. ()

: Discuss / Compare / What are **plan** +

TV

positive points + TV	Negative Points - TV
• 1) - - - -	• 1) - - - -
• 2) - - - -	• 2) - - - -
• 3) - - - -	• 3) - - - -
• 4) - - - -	• 4) - - - -
• 5) - - - -	

نکات منفی TV رو توی یک پاراگراف و نکات مثبت TV رو هم توی یک پاراگراف بنویسیم. اصلاً موردی بحث نمیکنیم نه مثلاً TV 4 یا بدی دارد، اول، دوم، سوم و چهارم. و تمام! این استباهه برای هر دو از این باید یک خط توضیح بنویسیم تا کسی که writing رو میخونه متقاعد بشه که چرا این دلیل بدیه حسن جز برای خودم که

80٪ سوالات این شکلی اند. سوالات رو باید به صورت PreP, A/D میپرسیم. 6/7)

اما اینجا دیکه 3 تا آیم هست. این نوع جدیدتری از آیمه. خلاصه داشته هم دارد، جدیداً شروع شده.

① Which one yes?

② Which one no?

دو تا بودجه ای هم هست، بودجه ای که مردم رو به قدر زیادی پول تو دستتون هست. به کدام Charity می روی؟ اونو که

1) Free Food میوه، برنج، ...

1) Police

2) AFFordable accomodation

2) Public Transportation

که نمونه برای بی سرپناه

3) Public Librarcy

3) Job Opportunities

Focus 80٪ رو روی موردی میذاریم که میخوانیم Support کنیم. Job opportunity. دوتا پاراگراف می نویسیم Intro. میس Job opp از اون یس ها بختو، باید از اون یس ها هم بحث کنیم 20-30٪ نمونه اون کیان، خلاصه (مفید به)

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

Introduction → انتظامیہ روٹو میچ میسج

Body → ① Job > Food
اون Job رو با Free Food مقایسه می کنیم. از Job سببوت می کنیم

Body → ② Job > aff. acco
Food رو می نویسیم. در عین حال می گوییم که Food برهم نیست اما

Conclusion
تا به جایی که با کارهای دیگری هم می کنیم aff. acco بر نیت افتد

می گوییم ولی تا روزی که طرف پول داشته بتواند afford کند و

سنگ داشته باشد هم خون می کشد، هم خون رو می چسبونه به بتونی غرب الفل با همی دستش کنه

ما جملگی می گوییم یا دیده او بیداری به حالتی که بودم اون یه درسته سطح می خورم و می خورم یا این که در مقایسه با اون یه مجتبه

Introduction → Pub lib

Body → Pub lib > Police
اگر بودیم پلیس رو می گوییم Security به خطر می افتد و می خورم

Body → Pub lib > Pub. tras
اگر بودیم این رو می گوییم، رفاه می خورم به خطری افتد

Conclusion
بعد می گوییم که Pub library بودیم رفاه می گوییم، قشر کمتری می

می بینیم در مقایسه با اون دو تا که بیشتر

خود این 3 آیه بودن این تا به کار می رو سکت می کنیم، آیه می گوییم به اون اضافه می کنیم

اگر آیه 3 به صورتی بودن که همسوز خوب بود و نمی شد انتظارت کرد، برای Body 3 تا پاراگراف می نویسیم

Introduction → هر 3 تا معایب و مزایای خودمون رو دارند و می بینیم این item مجتبه

Body → + item 1
هم مثبت و هم منفی که می نویسیم

Body → + item 2
اونی یلیم تقریباً همیشه می خوانم

Body → + item 3
Support کنیم به بیشتر + که می نویسیم

Conclusion

Task ها تا الان هم توی Intro باید نظرت رو بلی هم توی Conc

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

* گویا باید موضوع خوب بخونم + 20 !
* روی 5 های جمع تمرکز کنید.

* وقتی به Topic می‌رسد فقط از Advantages صحبت می‌کنیم، Advantages خاصه
اولی، ابتدا از Disadvantages حرف می‌زنیم. 9 این یک Agree/Disagree writing است.
دو تا بود پس اینجا 8 تا یک خودم و بعد 9 اسی می‌دهم.

9) Advantages

Advantages of living in an apartment or dormitory, which do you prefer?

Introduction

Body → ① + dorm → Positive Points یعنی نقطه + این نقطه اولی
② + apartment → معنی نقطه + این نقطه دومین است. این دو نقطه اولی و دومین هر دو یک خط می‌کشیم!

Conclusion → حالا با این خوبیا، من این سو ترجیح می‌دهم

* گرامر

* شما می‌توانید دانش خود را با به کار گیری تمام توانایی‌ها بالا ببرید.

You can enhance your knowledge by doing your best.

* به هیچ وجه در تری writing ها از موزن (آفل - IELTS-GRE) (You استفاده نکنید)
نکته: 1. You informal است، 2. informal از شما کم می‌کشد، 3. بهتر از اون وقتیه که بعد از You به چه معنی بگید (you can do stupid things) به طرف بر می‌خوره.
4. غره نمیده اولی! ← باید از one استفاده کرد.

One - a person - an individual - people - every body - every one

حالا با این نویسی همین ام

P4PCO

Subject:

Year:

Month:

Day:

subject ^{موضوع} : a person ^{یک شخص} ^(his or her) ^{از او} Ones

A person - people

One

can enhance ones knowledge by doing his/her best.

Every one - Any / An individual

Some one, Some body

him or her

them

they

he or she

his or her

their

One can enhance his or her knowledge by doing their best.

they, them

pre toefl

and, or, but, However

The book I gave you, and the one(s) he gave you are great.

But

ic, or ic, ic, or else ic, ic, else ic

ic. Otherwise, ic. IF not, ic

unless

Year. Month. Date. ()

Compound: You should study more. Otherwise, you will fail.

Compound: $\text{C}_2\text{H}_4\text{O}_2$. If not, $\text{C}_2\text{H}_6\text{O}$.

Complex : Unless you do your best in your lessons, you will not pass the test.

• **Unless** هر جای جمله که بود، برای ترجمه شدن، پیش دارد و به معنی **if** ندارد و فعل رو میفکند.

Blank = Fail

* کتب فارسی، Reading, Listening, phrase, طرح میسر

adverb clauses و complex می سازد. قابلیت جا به جایی دارند ولی Compound جا
 به جایی ندارند. Compound جا به جایی ندارند. اول clause و دوم clause می آیند و
 می توانیم جا به جا کنیم. *Otherwise you* ...
 با این تفاوت! *However* هیچ وقت اول جمله ای، اول، *never* اول جمله ای
 دوم می آید. ← *Compound* جا به جایی دارند.

Adverb clause: جملہ خبریہ داسون بخود جاب جاب سے

- You will not pass the test unless you do your best.

if you do not do your best.

- i/v: informal & formal, Adverb clauses

Paraphrase: عینِ علم و ادب کاغذ، دیکھ، یادگیری کا دیکھ، ہون
مضمون، و منتقل کن - یاد میں - و بلی - swallow

Subject:

Year. Month. Date. ()

I'm still hungry → این حال غذا خوردم ولی هنوز گرسنه‌ام.

* اینجا یه حرف اضافه میاریم برای هر 4 عبارت خوب یاد بگیرید:
(Compound)

Ic, yet Ic → yet تضاد / 100٪ تضاد سببی

Ic, but Ic → سببی 100٪

Ic. However, Ic → اما - با این حال - با این وجود - ولی - با وجود اینکه
Ic. Nevertheless, Ic → * Although = با وجود اینکه

Ic. Nonetheless, Ic →

Ic. Still, Ic → سببی

Ic. At the same time, Ic → سببی

Ic. Despite this, Ic → سببی

Although → این دو تا هم Paraphrase هم داریم یعنی با وجود اینکه ترجمه

* It was very cold. However we went out. هوا سرد بود ولی ما رفتم بیرون

* Although it was Freezing, we left the house. با وجود اینکه آب یخ می‌زد ما رفتم بیرون

با وجود اینکه

* Although, However, native رو به جای هم میاریم یعنی

Although → Complex ←

We left the house, although it was Freezing. adverb clause

نو informal: writing

Although = even though = though = despite the fact that = in spite of the fact that
P4P50 = not with standing

Year. Month. Date. ()

(Complex $\rightarrow$ 4.5)

* Despite the fact that + subject + verb + Ic → با وجود اینکه ... writing
Despite the fact that it was Freezing, we left the house! Fact... به هر حال ...

* In spite of the fact that + subject + verb + IC

* Not with standing (the fact that) + Subject + verb + Ie

optional

↳ Not with standing the fact that it was freezing, we left the house.

Or: Not with standing it was Freezing we left the house.

* Adverb clause marker :
Subordinating Conjunctions
Although it was Freezing

Despite

In spite of

Notwithstanding → the fact that: 2/6

این ها حرف اضافه محسوب میشن
عبارت این ها اسم (noun)

اسم عقل / اسم فعل - (Gerund / V-ing) - بغداد / عراق / عراق - باوجود

notwith standing / In spite of

Despite the Freezing weather , we left the house.

ملک و نعم / با وجود خدای سرور، ما رفیق بیرون

Complex compound is مركب بسيط (Simple) and مركب معقد (Complex) writing. (5)

PAPCO _____

Notwithstanding ← 212 کتاب می تواند آخر جمله (آخر IC) هم بیاید.
 یک حرف اضافه در Eng داریم Notwithstanding عدد می تواند بعد از کرده اسمی بیاید.
 جای قبل ← NP + P که P = not with standing + بیاید.
 فهم توی reading اذیت می کنه مثال:

The bad weather notwithstanding, the event was a great success.

* Still اول جمله اما است. * اصلاً اول سرخ سوال های
 At the same time * اول جمله اما است. * reading توی. * مغز فقط دنبال
 جواب سوال می کنه و هیچی از پاراگراف
 نمی فهمه. * Reading *

- * 4 تا گزینه رو خوب بخونید. کامل. شاید و حسن به کوچولو غلط باشه.
 تیره بریدند که رو درآید.
 * Simply 99٪ معنی Just و Only. ساده. برای تکیه می آید.
 * تست های ریفرینگ نزدیک. 3 تا گزینه ی دیگر رو هم که غلطه بررسی کنید.
 * اول برید بگ رو کامل بخونید ← هیچی لغت هیچ نکنید. ①
 * تست هارو با آراش و مسیر جواب می دید ②
 * جواب بارو هیچ نمی کنید. ③
 * دوست بودن و غلط بودن گزینه رو کامل حرف و بررسی می کنید. ④
 * له تا کنیک های تست طرح کردن رو یاد بگیرید.
 * حالا کلمه هارو دونه دونه چک می کنید + بررسی گرامر ⑤

* ایم آنالیز کنید یواش یواش غرتون عیار بالا.
 * بر حسب اعتقاد و دقت نمونه به امتحان ① یک هفته ۴۴ روزه تا اتم کنید.
 (2) یک هفته آخر 7 روز رو 7 تا افعال کامل توی 34 ساعت بنویسید.
 عصر بنشین آنالیز کنید.
 Reading 20 min
 SPEAKING
 تست به انگلیز

Subject:

Year. Month. Date. ()

Session 4

هر روز ۱۰ لغت تویدر Vocab بخونید + Listening + Grammar همراه کتاب!

1) ic ; ic

2) ic ; CA, ic

↳ However, Nevertheless

3) حالتی که جلسه اول بحث کردم چیتا مورد بود، بنشینون "و" گذاشتیم

But * ۱) کاربرد دارد و معنای سببی، تضاد می دهد
Concepts in هم و کاملاً متافرض داشته باشن

Or * ۲) علتی دارد یا else, otherwise, if not, or else li معنی در غیر این صورت

۱) or معنی در غیر این صورت "بسیار در جمله، غیره otherwise, if not, یا هم

* برای هر ترفندی که یاد می گیرید به این مایل حقه ایند

ic, or ic } informal
or else
else

You should study more, otherwise you will fail. Paraphrase

Unless you study more, you will fail.

↳ if you do not study more : برای ترجمه

My common mistake * معنی هم
Phrase یا دو or بین دو phrase یا دو و قبل or comma یا سه ، این دو Phrase
یک معنی
① معنی ② هست
phrase, or phrase
① ②

PAPCO Phrase or Phrase → ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩
① ② با هم فرق دارند

Subject:

Year. Month. Date. ()

Fan boys

* So *

- * Informal So. *
writing به در writing به در
Ic, So Ic. *
استفاده می کنند. حتماً این comma رو بنویسید.
Synonym های So :
Ic. (;) Therefore, Ic
Thus
As a result
Hence
Accordingly
As a consequence
Consequently

Adverb Clauses به تکیه می کنند paraphrase

Because

Since

As

clause, Ic

I was Feeling hungry, So I made myself a Sandwich.

Paraphrase

Because I was hungry, I made myself a sandwich.

* I made my self a sandwich, because I was hungry. *

because

Ic (;)

Since

clause

optional

As

P4PCO

Year. Month. Date. ()

Feeling hungry, I made myself a sandwich.

* تمرینات در اینجا هم بود .

* Correlative Conjunction *

Both... and... *

Both phrase and phrase I.e clause
Both clever and hardworking

sculpt = कर्तृ नाम^३ sculpture = नाम^३ sculptor = कर्तृ नाम^३

* either ... or اور، قابلِ حذفہ ہے دوسرا clause بہ جمع و صلیقہ ہے
 phrase ... ic, or ic

② نه، ① نه
 ✓ ✓ ✓
 item 2 را reject نه، neither ① nor ② نه، item 1 را accept نه.
 ✓ ✓ ✓
 not only ① but also ②
 نه تنها ① بلکه ②

Neither is he nor is he. Verb, Subject inversion. neither nor.
Neither should I nor...
Neither can I.

PAPCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

pious $\left\{ \begin{array}{l} \text{آدم موعود} \rightarrow \text{آدم} \\ \text{رفا، های، بیکان} \rightarrow \text{رفا، اخلاق} \\ \text{ایر واهی} = \text{pious hope} \rightarrow \text{unrealistic} \end{array} \right.$

Neither ^{اسم} nor ^{اسم} $\rightarrow$ Subject $\rightarrow$ neither, nor
عبر من بجای بی ای، من! اسم جای nor هاشم فرستاد. اولی هیچ ک، صا.

Neither John nor his friends are going to the beach today.

Neither his friends nor John is going to the beach today.

clause $\rightarrow$ phrase $\rightarrow$ Not only ... but also ...
either or, neither nor

But also $\rightarrow$ inversion $\rightarrow$ Clause اول $\rightarrow$ Not only
inversion $\rightarrow$ inversion

1) Not only + Subject + (verb) ..., but also Ie.

But also Subject: not only Subject
Not only did I ..., but also Ali ...

2) Not only + subject + verb ..., but + subject + also + verb.

Clause $\rightarrow$ but also $\rightarrow$ Not only clause but also clause

phrase $\rightarrow$ He is not only clever, but handsome also.
but also $\rightarrow$ but also

Subject:

Year. Month. Date. ()

3) Not only + subject + verb + but also as well.

Not only did he make up for his shortcoming, but he made up for other things as well.

Not only + subject + verb + but also as well.
Neither... nor...
Not only + subject + verb + but also as well.

Not only + subject + verb + but also as well.

Not only + subject + verb + but also as well.

Not only + subject + verb + but also as well.

Not only + subject + verb + but also as well.

Not only + subject + verb + but also as well.

Not only + subject + verb + but also as well.

- An incompetent manager not only fails to run a company in an excellent manner, but also is unable to make a friendly relation with his or her employees.

- An incompetent manager not only runs a company inefficiently, but also is unable to make a friendly relation with his or her employees.

PAPCO

Subject:

Year:

Month:

Date:

()

مِنْ / لَمْ / لَمْ / بِسَرَفٍ / فِي / لَمْ / بِإِمْدَادٍ / صَوِيح

A country develops not by money, but by proper management.
good

Not by _____, but by _____ or but rather by _____.

جای خالی فقط با phrase پر شود. اما نباید clause بنویسیم

A country does not develop by money, rather _____ → In glossary

و Rather, سرچ شود

warmonger → جنگ برانگیز / hatemonger → نفرت برانگیز

Fish monger → ماهی فروش / date monger → خرما فروش

peace monger → صلح طلب

belligerent → جنگ طلب / bellicose → جنگ طلب

تولید کردن جنگ

cause

hawkish → غریب جنگ طلب / pacifist → صلح طلب

مثال: ایران نه جنگ طلب است و نه خواهان صلح برای تمام دنیا است.

Iran is not a warmonger country. Rather, it wishes peace for all the nations around the world.

* - Rather, + (یا) (و)

neither, nor

Not only, but also

و Rather می توان clause آورد

Year. Month. Date. ()

* هر موقع or — wether داریم، خواه — خواه، "چه — چه"، چه — چه

* هرگاه می‌کنیم، اصلاً به صورت "یا — یا" ترجمه نمی‌کنیم.

* بـ wether هم داریم مربوط به name clause "اسمِ یا"

* اگر Yes / No questions، انجازهیم به noun clause تبدیل کنیم، از این

wether استفاده می‌کنیم.

عرج می خواهد بداند این فرد می داند چگونه استیژی کند (باید)

هر وقت as well as در قسم دوم جمله، بعد از فعل اجاره از Subject verb بیاید.

as well as VPX $\rightarrow$ $\frac{P}{P} \rightarrow PP$ و $\frac{P}{P} \rightarrow PP$

The teacher, as well as her students, goes out.

in addition give (2) also (1) i.e., 1, 2, 3, 4, 5 Conjunctive Adverbs *
Condition (5), Consequence results (4) i.e., 1, 2, 3

* در بسیاری از موارد کاربرد عبارت Compounal Conjunctions است. عبارت را به این شکل بنویسید.

1) Contrast تضاد

IC. On the other hand, IC. Subject در جمله دوم، پس از

IC. In/By Contrast, IC. , in/by contrast, on the other hand

IC. Conversely, IC. Subject است، Subjectی دیگر

IC. Meanwhile, IC. با جمله قبلی با تضاد است.

در این حین "در این زمان (همه) during this time
 "همزمان هم هست" در حالی که "تضاد ۱۰۰٪ while
 Meanwhile /

IC, while/whereas/where + clause → تضاد ۱۰۰٪

در حالی که

در این ساختار هر دو IC با topic IC. On the contrary, IC. * توجه
 Subject های گسسته باشند. "هوا امروز اصلاً خنک نیست و برعکس، خیلی گرم است."
 موضوعی که درباره آن بحث می‌کنیم هوا است. "در حالی که on the contrary می‌توان از Rather
 هم استفاده کرد. (به معنای "بلکه")

* اگر قبل از on the other hand یا but بنویسیم، تضاد ۱۰۰٪ به تضاد نسبی

تبدیل می‌شود. تضاد نسبی IC, but (on the other hand) IC.

On the one hand + clause, but on the other (hand) + clause تضاد نسبی

on the one hand, but ... چیزی را به چیزی اضافه می‌کنند. یعنی برعکس "از

سویی ①، از سویی دیگر ②. در زبان فارسی که ② را به ① اضافه می‌کنند.

② on the other, but on the one hand ① برای بیان تضاد نسبی ① و ② استفاده

می‌شود.

Year. Month. Date. ()

1) Contrast : Punctuation My job is hard. However, I love it.

Ic. CA, Ic. ~~und~~⁰ ~~disk~~ Ic. I, however, I love it.

$I_c; CA, I_c.$ ~~sing~~ * $I_c; I, \text{however}, I \text{ love it.}$

Ic.; Ic, CA.

CA

nonetheless - however - by contrast - in contrast - nevertheless - still (L1)

* حقی Conjunctive adverbs عبارت از خوشنسخ به Comma نیاز دارند؛ اگر نه داریم،

خطای minor کم می شود اما اگر Comma ی however را برطرف کنیم، تبدیل به

! major نائب ← مفعول noun clause

حرف طور! انجام دهنده برای من OK است! However you do it is okay with me.

Noun clause

VP

* اسکا بیار طبعاً ملازم جون سے کھارو وغیرہ۔

لذا این comma است

— Although clause, I.e.

— Ic, although clause.

عکس: Conversely $\Rightarrow$ clause $\Rightarrow$ $\Rightarrow$

Ic, or, conversely, Ic.

عَلَى : عَلَى : Conjunctive Adverbs : but/and : عَلَى :

I_c , and moreover I_c .

Ice, and Furthermore Ice

It, but nevertheless It

Subject:

Year. Month. Date. ()

Punctuation:

نقشه نظارت بر افعال : " " ' ' - 1) Quotation Marks

- کاربرد:
- 1) نقل قول - (2) تاکید - (3) طعنه یا عبارت بی خودمان می سازیم
 - 4) استفاده از طعنه ای یا معنای جدید - (5) تأکید - (6) توضیح اضافی - (7) فخره
- * طعنه یا عبارت بی خودمان می سازیم = "glover men"
- * طعنه یا معنای جدید - ارتباط مجازی = "passive type of communication"

* Supposedly = show that you don't believe that sth you have been told is true - Seeming and purporting to be Faking and pretending ظاهر

فوق شبه - در موارد 3 و 4 می توان از طعنه یا اصطلاح "So called" استفاده کنیم

apparently - فرقی نیست - در 199 موارد اولی و دومی نیست - فقط وقتی گفته می شود

seemingly -

* در موارد 3 و 4 می توان از طعنه یا اصطلاح "So called" استفاده کنیم

* اگر کسی که می خواهیم آن را نقل قول کنیم، خودش نقل قول دارد، اولی و دومی "می سازیم"

IC. In contrast, IC → برعکس

^{PP} In contrast to NP, IC → برعکس

^{PP} Unlike NP, IC → برعکس

by Contrast, by Contrast, by Contrast

in Contrast to 3 Punctuation دارد:

1) اول NP → وقتی گروه حرف اضافه ای می سازیم و می شود Comma می سازیم

^{PP} In contrast to NP, IC

2) به NP → تمام prepositions که به اشتباه می سازیم و حق نداریم

قبل از آن Comma می سازیم in contrast to NP

Subject:

Year. Month. Date. ()

13. و ب ١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢ ١٣ ١٤ ١٥ ١٦ ١٧ ١٨ ١٩ ٢٠ ٢١ ٢٢ ٢٣ ٢٤ ٢٥ ٢٦ ٢٧ ٢٨ ٢٩ ٣٠ ٣١ ٣٢ ٣٣ ٣٤ ٣٥ ٣٦ ٣٧ ٣٨ ٣٩ ٤٠ ٤١ ٤٢ ٤٣ ٤٤ ٤٥ ٤٦ ٤٧ ٤٨ ٤٩ ٥٠ ٥١ ٥٢ ٥٣ ٥٤ ٥٥ ٥٦ ٥٧ ٥٨ ٥٩ ٦٠ ٦١ ٦٢ ٦٣ ٦٤ ٦٥ ٦٦ ٦٧ ٦٨ ٦٩ ٧٠ ٧١ ٧٢ ٧٣ ٧٤ ٧٥ ٧٦ ٧٧ ٧٨ ٧٩ ٨٠ ٨١ ٨٢ ٨٣ ٨٤ ٨٥ ٨٦ ٨٧ ٨٨ ٨٩ ٩٠ ٩١ ٩٢ ٩٣ ٩٤ ٩٥ ٩٦ ٩٧ ٩٨ ٩٩ ١٠٠

PP, in contrast to NP,

in contrast phrase "برعکس" like "برعکس" while - nevertheless - however - on the other hand - by contrast, in contrast to... Paraphrase where as - where unlike

as of = از to proceed = go ahead → pre = ahead cede = go
1st 2nd 3rd 4th 11th 21st

pre cede → pre = قبل cede = go - come → قبل از چیزی آمدن

A preceded B → قبل از B آمد A *

A was preceded by B → B قبل از A آمد *

unprecedented → بی سابقه

little + کمی only a little کمی A little + کمی only a little کمی
L. کم - در حد کمی L. کمی - Some - کمی L. کمی - a little کمی

Few + کمی A Few کمی only a Few کمی
L. کم - در حد کمی L. کمی - Some - کمی L. کمی - a few کمی

There is little chance. → هیچ شانس نداریم!

Session 5

Sub+verb: Due to the fact that → Subordinating conjunction
 Due to → prepositional phrase

Not only ... but also

adj phrase

adj phrase

عمر در جای عالی باید باشد

adv phrase

adv phrase

خیلی سریع باید شود

Noun Phrase

Noun phrase

این سخن است

Verb phrase

Verb phrase

اولی ۱۰ نفر و ۱۰۰ نفر

کلمه باشد، تعداد جمع، نوع باید باشد

No longer → Not any more

ترجمه: دیگر + فعل منفی

No longer available = دیگر در دسترس نیست

IC, or IC

IC, and IC

Comma نباید گذاشته شود

adv clause - Noun Clause - adj clause اما وقتی دو

and, or, comma نباید

To begin with, one should consider that scientific improvement is not the only purpose of universities and that social activities as well as sports should be taken into account.

that clause and that clause (N clause) نباید Comma

3. پ. ۱۱

that clause برای بیان علت چیزی خواستیم، یا برای

that clause, that clause, that clause, and that clause.

Comma نباید گذاشته شود.

Subject:

Year. Month. Date. ()

وقت خرید کردن / با دوست / به بازار / به فروشگاه / به سوپرمارکت / به خرید / از
خانه خارج / به خرید / از go shopping استفاده می کنیم.
امام و وقت می خواهیم بگویم که اصل برای خرید نیستیم و غایبان / سریع خریدیم.
میراد و میرویم و رفتیم خرید / به از Shopped استفاده کنیم.
Shopped

متوسط (کفایت) / Not very good / Mediocre / برای سایر (متوسط) / Medium

while $\left\{ \begin{array}{l} \text{although} \rightarrow \text{اگرچه} \\ \text{تفاوت 100\%} \\ \text{(since) time} \rightarrow \text{تفاوت} \end{array} \right.$
Cacophony $\rightarrow$ به صدای /
= dissonance
= consonance

cacography $\rightarrow$ به نویسی / cacoepey $\rightarrow$ به تلفظ کردن
Cognitive dissonance $\rightarrow$ عدم هماهنگی درک - عدم هماهنگی درک

The cacao beans was cultivated by Aztecs not only to drink but also ~~currency~~ to make currency to earn currency
infinitive to k. was Noun infinitive to k. was

to lag / Fall behind $\rightarrow$ عقب افتادن
rivals = competitors $\rightarrow$ رقیب ها rivalry $\rightarrow$ رقابت
 $\rightarrow$ race - contest - competition

dog-eat-dog : in a dog eat dog society (world) there is intense competition and rivalry, where everybody thinks only of himself or herself $\rightarrow$ cruel society

PAPCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

catch up with → رسیدن

let alone → چه بگویم چه بکنم

keep up with = keep pace with → ساله به ساله پیش رفتن

exceed = surpass = out do = out perform = out run = out shine =

out distance → جلو زدن out (No Space) → نداشتن جای

live out → بیشتر عمر کردن out live → بیشتر عمر کردن
* out live → بیشتر عمر کردن out live → بیشتر عمر کردن
* out live → بیشتر عمر کردن out live → بیشتر عمر کردن

A out number B → تعداد A بیشتر از تعداد B

B is out numbered by A → B فقط به خودی خود شکست خورده است

* out weigh → The advantages of A out weigh of

* out weight → Those of B → مزایای A بر B مزایای B بر A

out Fox = out smart = out wit = out manoeuvre → هوشمندانه تر عمل کردن

bid → پیشنهاد دادن out bid → پیشنهاد بالاتر دادن

out bot : past → باقی مانده

out class → از نظر اعتباری سطح بالاتر

overtake → سبقت گرفتن take over → to get control of sth

equipment → تجهیزات take over → to get control of sth

at present → الان the

at the present time → در حال حاضر

PAPCO

Year. Month. Date. ()

از طرف دیگر on the one ... other : between (میان) (با) هیچ فرقی ندارد
on the one hand ... and on the other : فقط و فقط between (میان) هیچ فرقی ندارد
 زیرا از هر دو طرف یکسان است.

We don't want to lose him. ^{Let} At the same time, he needs to realize that company regulations must be obeyed.

Still - but you still - still and all - ⁰جوابه 24

Subjective → ذاتی است. Objective → دعویٰ دوزی
equivocally = ambiguously → مبہم معنی کرن دو پہلو معنی کرن

عبدلہ " : حزن باید / رنج باید چون " : برای توصیف اوضاع می آید

avid = eager = passionate = keen = enthusiastic = عاشق
(The) humanities = liberal art = The arts = فنون

اندر BSc ، MSc ، با نقطه به صورت B.Sc ، M.Sc نوشتیم ، در سطح مقطع و
در سطح فوق لیسانس باید تمام BSc ، MSc ، PhD به همین صورت (با نقطه یا بدون نقطه) نوشت
شود. ————— Consistent باید باشد متون!

Scanned with CamScanner

Subject:

Year. Month. Date. ()

Humanity → انسانیت Humanities → علوم انسانی

Furthermore

- in addition اینها را
- این است، ایتم، دومی که در سخن جمع تر است
- Further, I. بیان می کنم، جمع تر است، علاوه بر
- more over, I. وقتی می گویم از این به بعد در یک پاراگراف بیان می کنم
- What is more, I. می گویم از این به بعد از این به بعد می گویم
- In Addition, Additionally می گویم از این به بعد
- at best = at most حداقل - در بهترین حالت

choppy + خیره هم نباید طولانی باشد

Ic, and more over, Ic. به این منظور، گاهی می نویسم

Ic, and Furthermore, Ic.

Ic, but nevertheless, Ic.

Hyphen → خط تیره Dosh → —

دو یا چند سازه ی زبانی را به هم وصل کردن و اسم و کلمه ی منفرد و یک

ex-president: رئیس قبلی

State of the art: پیشرفته

Hyphenated Adjective

Year. Month. Date. ()

Session 5, 01:20:00

اولین روش: در Hyphen می‌زنیم، بدون فاصله، کاملاً با هر چیزی شروع و نوشتن جمله و کلمه می‌زنیم. جمله یا کلمه‌ای بین دو DASH تمام می‌شود، باز بدون space. دو Hyphen می‌زنیم، ← این روش در word تقریباً شده است. اما ممکن است در dash یا notepad با درست ننویس ← مهم نیست، غرضی از آن با عیب نبریم.

دومین روش: space Hyphen space ← punctuation ای نه قبل از آن هم
space می خورد این Dash است.

موسن روئ: مَن روئ دوم قعّا عذر از Space دومس یلبار
هی زبَنم Hyphen کُیده شود

1) $I_c - I_c \rightarrow$ because : لَوْ جِئْتُكَ $\rightarrow$ Dasha

- Rohani: president of Iran...

3) Noun 1, 2, (and) 3 - verb → ...
P4PL items ...

Scanned with CamScanner

Subject:

Year. Month. Date. ()

مسابقات کار و رسوم را در جنبش "ف" داشتیم که خود را هیئت آیتیم بود و دیگر از آیتیم
Comma داشت اما اینجا (بر کاربرد 3) علامت item است با صفت جنبش!

نیمه: خط بعد از "؛" حروف اول کلمات به صورت واضح می آید.
I.e. i.e.

Phrase: Phrase population

take it to account به حساب آوردن
The youth account for 60% of our
accounts ← to account for sth
* makeup = constitute = تشکیل دادن
to be the reason for sth
Saving Account ← حساب

*** to explain sth توضیح می دهد / توضیح می بخشد / توضیح می دهد
to cause sth

(1) توضیح دادن (توضیح دادن)

(2) توضیح می دهد (علت) بودن

don't mind = نمی ترسم

* مختصر است به
adverb clause طویل باشد
Fluency ایجاب

Part 2 P 40

Subject:

Year. Month. Date. ()

مسابکار سوم اور جنس "ف" داشتیم به خودی خود آیتیم بود. دلیل از آیتیم
comma داشت اما اینجا (در کاربرد 3) علامت است! جنس آیتیم!

آیتیم: خط بعد از "ف" حروف اول کلمات به صورت کوچک می آید.
Ic; ic.

Phrase: phrase population.

take it to account به حساب آوردن
The youth account for 60% of our population.
accounts
to account for sth
to be the reason for sth
Saving Account

*** to explain sth
to cause sth

(1) توضیح دادن (شرح دادن)

(2) توضیح چیزی (عت) بودن

don't mind = هم نیست

* بهتر است بد
adverb clause
Fluency ایجاد
کنیم

Besides *
informal, writing
I don't mind

Ic, Besides, Ic

Besides + Np

Beside + Np

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

Apart From - other than besides = in addition
هم افزاینده (معنی علاوه بر) GRE Pamphlet
هم جداکننده (معنی غیر از) except (For) = Save (For) = but (For)
غیر از * everybody came save ali
همه را به جز علی آمدند: everybody came to save Ali

at once $\rightarrow$ در یک لحظه $\rightarrow$ certain - doubtful

X at once Y $\rightarrow$ X $\neq$ Y

~~have~~
من می‌خواهم زندگی شاد داشته باشم $\rightarrow$ I want to live a happy life

to die a/an adj death

lead a/an adj life

to die an honorable death

⊕ long - useful - prosperous

$\rightarrow$ lonely - solitary = reclusive
تنها - خلوت - انزوا

to sing a/an adj song

to laugh a/an adj laugh

to sing a gay song

to laugh a bitter laugh

شاد = happy

تلخ

to smile a/an adj smile

an innocent

a sarcastic

a satanic

بی‌گناه

کلاه آینه

شیطان

To lead a well-balanced life, one needs to have other interests besides studying.

PAPCO

Subject:

Year: Month: Date: ()

اگر بخواهیم (مثلاً) به روش دیگر، در شهر تفریحات متنوعی وجود دارد و در روستا هم همینطور، را بیان کنیم، باید phrase 4 را می توان این کار را انجام داد: (روا Subject)

① I.e. likewise, I.e. → adv. قید ربط

② I.e. Similarly, I.e.

③ I.e. In like manner, I.e.

④ I.e. In similar fashion, I.e.

تقریباً: Also سبب این کار است اما additionally, in addition ربطی به این عبارت ندارد، La phrase را این

کتابی integrated به ما می دهد 3 را در این بخش برای رفع دادن چیزی بیان می کند.
(در روز این سردی را reject از lecturer) وقتی در حال reject است می گوید
اینکه اینو لغت نه، nevertheless, in contrast, however، لیست دارد اینو حتماً
اما وقتی lecturer می فرماید reject نه، رفا، approve دارد: باید از 4
phrase را استفاده کنیم.

Robust ① healthy - آدم قوی بین → قوی بین

Sturdy ② Robust - Strong - well-built - tough - durable → دراز

③ Sturdy Resistance → مقاومت بالا!

in to the bargain → also = too

to be in company with others } live a social life ≠

to keep the company of others } live a solitary life

to enjoy the company of others

A person can be judged by the company he or she keeps! (شخص را می توان به وسیله آنکه با چه کسانی معاشرت می کند قضا کرد)

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

to keep one own company → he wants to keep his own company
↳ being alone → live a solitary life

Thereby + V-ing (gerund)

Subject + Verb + Object

Thereby → , به این وسیله , = because of = by means of
و بنا بر این

They don't always do so → همیشه کاری را نمی کنند
↳ به این اعتبار از تکرار

by doing that = by doing so = by so doing = in doing so = in so doing
* Professional

↳ برای بیان نتیجه گیری

Ic. To do so, Ic → حرف اضافه → thereby به این وسیله

traffic → ترافیک

traffic jam = traffic congestion = heavy traffic = ترافیک شلوغی

ما باید سیستم حمل و نقل عمومی را بهبود بخشیم ، تا این کار می توانیم ترافیک را به شدت کاهش دهیم .
(dim)

① We should improve our public transportation system. By doing so, we can reduce traffic jam dramatically. به این وسیله می توانیم

② We should improve our public transportation system, thereby reducing traffic jam dramatically. → Subjects are the same Ⓞ *

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

ما باید سیستم حمل و نقل عمومی مان را بهبود بخشیم. (برای انجام این کار) (این هدف) باید بودجه زیادی به آن اختصاص دهیم.

We should improve our transportation system. To do so, we should allocate a great deal of ^{public} budget to it. * برای انجام این حرف

انتخاب کردن برای آدم - assign - allot = official دادن - و
= designate allocate, allot برای بودجه

athletics - ورزش دو میدانی - track and field
athletic - ورزشکاری

5 → 26:00
triumph - شکست
? - شکست
? - شکست

end - later (or later on) - afterwards - afterward -

Subsequently

Formal * عالی * = متعاقباً
Consequently = استناداً / بنابراین

meanwhile - در این اثنا = در این حین
تقریباً 1,100 - با این حال

thus far = until now = so far = ever since / since then - تاکنون

شروع زمان تازه - تاکنون - Since به این معنی دارد - می توانیم بگوییم و لی Since نه.

Since - ever since - Since then - آغاز را داریم یک قیدی

می دهد. از آن موقع تاکنون می توانیم بگوییم - جاز این clause می آید

P4PCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

writing integrated

اول introduction توی 25 ، 3 خط ساده بنویسیم + دیدنی و لیسنی هر دو در باره علان موضوع خواندن ، دیدنی 3 تا روش گفت ، لیسنی این 3 تا روش گفت کرد

پاراگراف 2 ، اولین دلیل رو بنویسیم + علت نقص توی لیسنی 3 ، دومین

4 ، سومین
پاراگراف آخر به یک چیز حکم : روی هم رفته این سه روش به این لایه به درد بعضی خوردن

* اصل تقریضه نویسی ساده بنویسیم به جوری بنویسیم هر کس که reading , listening رو ندیده بود ، بقیه داستان چه

* تعداد لغت ، هر چه بیشتر بهتر : max: 450 - min: 250 به دی دی نویسی cut + paste سر امتحان کار می کند

* مقایسه کردن عالی به عاشق مقایسه کردن هست

* باید باید باید paraphrase کنیم به 2 به یک از listening , reading , paraphrase

in light of (American) → = because of
in the light of (British) →

* برای بیان این دیدنی اینو گفت ، لیسنی اینو باید the listening , the reading , the lecture

introduction ← 0.5 نمره Conclusion ← 0.5 نمره
هر پاراگراف ← 3 نمره ← 80% نمره برای listening است

P4PCO

Year. Month. Date. ()

Claim, allege ————— reading only
Contradicted — denied — rejected ————— Listening only

* لقراءة listening هرفي lectures لف بنويرة

downright → complete کاملاً present company excepted
 ↓
 completely کاملاً ! دور از حوض سبزه ← غایب

rigour = precision = exactness $\rightarrow$ 52

unscrupulous = $\text{جَاهِلٌ بِقِيَمَاتِهِ}$ = corrupt = amoral = unprincipled
vandals = $\text{جَالِبُونَ كِبَارٍ}$ trivial $\rightarrow$ عُصَاوِيَةٌ

tampered with → دستکاری کردن / دست زدن به
Who has tampered with my computer? چه کسی دستکاری کرده؟

Short hand writing ← listening تربوری

۱۹. حروف عداد را آ جای هملخ من ایناریم

12. کلماتی که معنی جامع دارند نوعی قیاس (لفظات، اسامی، افعال)

(3) اول و آخر طهارت را بنویسید. ← ضعف سازی

Year. Month. Date. ()

* 45 و 55 جزوه dani: جارت 1 ← * قسم *

** رجی 10.7 و ب ← علیه قسم ← حق برد!

انواعی های نوشتاری ← یکپارچه integrated - ادغامی شود 2. ماه 2 ماهه

① listening to Script → listening قدرت

a) Read the Reading Carefully.

b) Listen and Take Notes → غصہ پا کر لکھنا

c) Listen Sentence by Sentence and Transcribe → مِنْ مَعَالِهَا

d) Listen and Check the Script — اذبحوا ذبيحتي اذبحوا ذبيحتي

e) Listen without the Script → وقفت / ١٠٠ شخص في المسجد

② Script $\xrightarrow{\text{to}}$ Listening $\rightarrow$ افزایش سرعت مکالمه

a) Read the Reading Carefully

b) Read the Script carefully → Analyze →

c) Take short hand Notes. Script: دو زبان عربی و فارسی، زبان اصلی: عربی، زبان فرعی: فارسی

d) Summarize Orally From your Notes →

e) Listen and Take Notes → $\text{شنیدن و یادداشت‌برداری}$

Session 6

with comma, either clause, or clause, or clause, or clause.

۱-۱- فصل طعم‌های قشنگ از دو اسم به هم چسبیده باشد، استون روی اولی است :

1
Busstop

beaver = an animal with smooth fur, sharp teeth.

PAPCO

Subject: _____
 Year: _____ Month: _____ Date: _____ ()

Short hand writing → حروف جدا در برابر هم - اول آخر دست را بنویسیم
 اینم مثل حرفت قید هم برین
 اینم جدا از bt - but استفاده کنیم

because → with معانی مختلف
 adj clause
 search

Otherwise

↳ unless → paraphrase

my parents lent me money, otherwise, I couldn't have afforded the trip.
 = If my parents had not lent me the money, I wouldn't have been able to take the trip. → 3 نوع

Otherwise → 4 نوع کاربرد دارد
 Some people believe that learning English at a lower age is good. Personally I believed otherwise.
 differently = in other way = برعکس

* Vocab * The Bill of Rights → قانون دوازده ای مهم قانون اساسی آمریکا

The Bill of Human Rights → منشور حقوق بشر

Bill → change - account
 invoice
 advertisement → eg. billboard

PAPCO

beak - mandible → نوک - منته
 backnote = bill

Subject:

Year. Month. Date. ()

agenda = schedule Catalogue

↳ Plan - برنامه

Also known as = Otherwise known as ②
, AKA

already engaged ← Otherwise occupied ③
informal already

I can't meet you on Tuesday - I'm otherwise engaged/occupied
very formal ← = doing sth else

A tiny mark flawed the otherwise perfect silk shirt. ④

فقط یک ایراد کوچک داشت. این لباس عالی بود. otherwise perfect بود. Perfect بود.

Paraphrase → The only thing that spoiled this beautiful silk shirt was a tiny mark.

or otherwise

Hand in your exam papers, Finish or otherwise. (= Finished or not finished)

PAPCO

Subject:

Year. Month. Date. ()

Transitions

Illustration and Examples

For instance 1, For example 1.
For example item 1, item 2, ..., and item n.

For instance 1, For example 1.
For example, item 1, item 2, ..., and item n.

..., namely item 1, item 2, and item 3.

That is, item 1, item 2, and item 3.

T is, IC.

To illustrate / clarify / illuminate my point, I would like to provide more information / an anecdote / an example / a personal example / a real story / some facts / a proverb / a quote / an imaginary case. IC.

In other words, clause.

* affect sb or sth

* influence sb or sth

* have an effect on sb or sth

* have an influence on sb or sth

* emphasize sth

* place / put / lay emphasis on sth

P4PCO * respect sb or sth

* have respect on sb or sth.

Subject:

Year. Month. Date. ()

بشكل خاص in particular

- ① We're trying to raise awareness about the environment in general and air pollution in particular.
بشكل عام = overall

or, particularly = especially

- ② I want to thank all of you, in particular Iraq and Nahid.
بشكل خاص (phrase) / (adv clause)

Especially adj = very adj especially important

particularly adj = very adj not particularly interesting

بشكل خاص past participle : Specifically

Specifically designed for

Ic. Specifically, Ic

* Seek - sought - sought
present past P.P.

بشكل خاص or more specifically
The news paper manager, or more specifically, the editor, was taken to court for publishing the photographs.

Such as + noun

Such as

Cartoon characters such as Snoopy. Such as

P4PCO

Year. Month. Date. ()

Critics of this police, such as Jack Baum of Smiths and Sons, say that...

کما آوردن یا نیاموردن، تفاو و غیره اخباری است. اندر such as items کلمه‌ی باید
در such as item, ..., and item. این دو dash می‌نمایم. بیتراز 3 تا

• جیسے or جیسا like جیسا کہ = like

① digits → ارقام

② price → put a figure on sth قیمت اندازی روی چیزی

③ linear - arithmetics - help - sums

4) فیضانِ برہنہ خیز

⑤ Silhouette → 

⑥ individual — Academic figures — Political figures

⑦ ePiggy $\rightarrow$ $\frac{1}{2}S$ $\rightarrow$ Human representation

⑧ Shape - design - pattern

⑨ diagram

5 On top of everything else / on top of all this

یتر برای عبارت منفیه به کار می رود. چنانچه آن را بنویسیم: در خطایش می گویم: "بیر از عهدی این".
این است: " برای spoken به کار می رود. (فایده)

Above all

بزرگوارترین و بالاترین همه چیزها - برای من و من برای کارهای خود.

Subject:

Year:

Month:

Date:

همه برای تأیید و هم برای تأیید به کار می رود

As matter of the fact in Fact, Indeed writing

برای تأیید و برای رد

* Indeed

مرد در نیاز

A friend in need, is a friend indeed.

همانند یا according to

دوست در نیاز است

همانند دوست

Pair whether Friend

دوست در نیاز است

Time

Formerly

پیش از این

Clarkin was Formerly a deputy Foreign minister.

I disapprove of the Former mentality.

I subscribe to the latter idea.

the last

latter, Former

mentality, notion → طرز فکر (در 1900 میلادی)

↳ You have a strange mentality (خوب نیست)

idea, opinion → طرز فکر (خوب و بد به نظر می رسد)

herd mentality → herd behavior

mob mentality - pack mentality - gang mentality

عالم

Subject: _____
Year: _____ Month: _____ Date: _____ ()

To begin with - For one thing - First off - First - First and Foremost

لبدء مع - أولاً - أولاً - أولاً وأخيراً

In the First / Second place ^{لأنه} because

I don't want to go yet in the first place, I'm not ready, and in the second place, it's raining.

Given ^{مفروض} practical

- Given + NP ^{مفروض} → considering ^{مفروض} taking sth into account

Given the circumstances, ... ^{مفروض}

past participle

- The given information is, ^{مفروض}

- Given the information, ^{مفروض}

preposition

Given the Fact that / given that + clause

on the assumption that: ^{مفروض}

Since - Because: ^{لأنه}

Considering that: ^{مفروض}

* given the fact that ^{مفروض} given + NP ^{مفروض}

مفروض

Overall = all in all = generally

overall, prices are still rising.

P4PCO

Subject: _____
 Year: _____ Month: _____ Date: _____ ()

In conclusion	→ independent writing بکار ببر	All in II	↳ integrated writing بکار ببر
To sum up			
In summary			

with this in mind

① Considering this = regarding this

② Because of this

To this end * Formal *

to this end (باین) ... to do so ...
 نیز ... برای این ...

Quote * "The end justifies the means."

with the result that

clause ... Comma ...
 ...

Sarah wasn't at school last week, with the result that she missed an important test.

Due to = because of = owing to = on account of = as a consequence of =

Phrase ... due to ... because ...

* Formal ... clause ... due to the fact that

P4PCO as a result of - Thanks to - in view of -
 by reason of - by virtue of - in the light of sth } = because of

US: in light of

Subject, Year, Month, Date, ()

by virtue of = بفضل

Thanks to = بفضل

* Spoonerism → مثل استقامه سرورین / طایه هم - تقاض کردن

↳ A mistake in speaking in which someone pronounces some sounds or parts of words in the wrong order and makes a funny change in meaning.

You have hist my mistory class!!

original: You have missed my history class.

Tenacity = ثبات = perseverance = resilience

most of the problems → most problems

most of the people → most people

اسم قابل شمارش → جمع و صرف کنند → modifier در زبان انگلیسی

Human X A Human or Humans ✓ modifier

Humans = Human beings = موجودات خالق

↳ = earth → latin

Subject:

Year. Month. Date. ()

* لغات را با استفاده از ریشه‌های یاد کنید. با پسوند آن، با پسوند طالع یاد کنید.
هم جنبه سرخ یاد می‌کنید. هم جنبه زرد یاد می‌کنید. هم جنبه سبز یاد می‌کنید. هم جنبه بنفش یاد می‌کنید.
و طالع طالع در ریشه لغت حفظ می‌کنید. از روی prefix - suffix - root
اینجوری به مرور روزی حداقل 70-80 لغت یاد می‌کنید.

to exhume $\xrightarrow{\text{synonym}}$ to disinter = to disinter $\rightarrow$ بنسب قبر کردن
 $\downarrow \quad \downarrow$ out earth $\downarrow \quad \downarrow$ out earth

to inter = bury = دفن کردن $\xrightarrow{\text{After earth}}$ posthumous $\rightarrow$ بعد از مرگ $\rightarrow$ استعجاب $\rightarrow$ تعجب

* سایت زنگنه vocab Toefl $\rightarrow$ زنگنه

A posthumous child $\rightarrow$ بچه‌ای که بعد از مرگ پدرش به دنیا می‌آید

A posthumous Pame $\rightarrow$ شهرت بعد از مرگ

in sect = حشره $\xrightarrow{\text{entomology}}$ entomology = مطالعه حشرات
 $\downarrow$ cut $\rightarrow$ بریده $\rightarrow$ بخش $\rightarrow$ cut $\rightarrow$ بریده

tom $\rightarrow$ latin $\rightarrow$ cut $\rightarrow$ بریده $\rightarrow$ atom $\rightarrow$ اتم $\rightarrow$ بریده $\rightarrow$ cut $\rightarrow$ بریده

Apandectomy $\rightarrow$ جراحی / بریدن آپاندیس $\rightarrow$ tomy = بریدن = جراحی

P4PCO

Subject:

Year:

Month:

Date:

()

The body of humans.

human ← اسم، به هیچ عنوان برای آن S نمی‌گذاریم.

Human body - human mind - human activities

ارضواهم بگویم فلان چیز انسان است ← S' نمی‌گذاریم.

Humans' body - humans' mind

human's body ← S' خطا داریم.

Human → ① غلط
 → ② غلط
 → ③ درست
 → ④ درست

error → error
 → errors

oto: گوش
 Rhinoc: دماغ
 otalgia: گوش درد
 Rhinoplasty: جراحی بینی
 gastralgia: معده درد

NP → <u>premodifiers</u>	اسم هسته / هسته‌دار + <u>Head Noun</u>	نوع اسم: وابسته‌های پس + <u>postmodifiers</u>
a - an - the	Abbreviation: HN, hn	PP M ₄ - M ₅ - M ₆ - M ₇ - M ₈ adj clause
most - any - many	این کاری این است، هر چه قبل	M ₉ adj clause S reduce
(M ₁) - M ₂ - M ₃	و بعد از این باید وابسته‌های پسین و پسین‌تر نام دارند.	Appositives: یک مقبره
↳ modifier 1:		
Determiners → واژه‌هستند		
در pre before نه اند *		
M ₂ : اسم قبل اسم با نقش هسته‌دار		
↳ bus stop		

Subject:

Year. Month. Date. ()

M₂ → 2.1 Adjectives

head last زبان فارسی head first است یعنی اسم مستعمل اول می آید اما انگلیسی

Organizational culture فرهنگ سازمانی M₁/M₂/M₃/ + head noun است

cultural organization سازمان فرهنگی
adj

Innovation culture → M₃ فرهنگ نوآوری

cultural innovation → M₂ نوآوری فرهنگی
adj

* باغ پرز کردن / حصا یادگیری

M₃ noun head noun

nudity → noun * nudity culture فرهنگ برهنگی

Head Noun: برای باغ پرز کردن لازم است M₃, M₂ و M₁ به هم می آید
M₄, M₇, M₈ می آید

* Paraphrase → The culture of nudity
M₁ HN M₄: PP

M₂ adj HN

* Cultural nudity برهنگی فرهنگی

* Paraphrase → The nudity of culture
M₁ HN M₄ PP

A writer of adults → نویسنده ی بزرگ سالان
Adult writers → نویسندگان بالغ / بزرگ سال

P4PCO

Subject :

Year . Month . Date . ()

Time value → ارزش زمانه

The value of time → ارزش زمانه

Martyr = (adj) شهید (verb) شهید کردن

The Imam of martyrs = martyrs' Imam = امام شهیدان

Martyr Beheshti = شهید کشته شده

martyrdom = noun شهادت

Imam's martyrs = The martyrs of Imam = شهیدان امام

martyred Imams = The Imams who have been martyred = امامان شهید

M3 Human diet = the diet of humans
M4 ← noun ← جمع S می خورد
← adj ← S می خورد

The efficiency of production = production efficiency

به کار بردن به اشتباه M3. راجع است، جمع می خورد. (به جز حیف است)

The star shines → در انجم می درخشد
M2 ← شتاب ← درخشان
← ing ← درخشان

The shining star → درخشان / درخشان
← ing ← درخشان
← M2 ← درخشان
← M3 ← درخشان
← M4 ← درخشان
← M5 ← درخشان
← M6 ← درخشان
← M7 ← درخشان
← M8 ← درخشان
← M9 ← درخشان
← M10 ← درخشان
← M11 ← درخشان
← M12 ← درخشان
← M13 ← درخشان
← M14 ← درخشان
← M15 ← درخشان
← M16 ← درخشان
← M17 ← درخشان
← M18 ← درخشان
← M19 ← درخشان
← M20 ← درخشان
← M21 ← درخشان
← M22 ← درخشان
← M23 ← درخشان
← M24 ← درخشان
← M25 ← درخشان
← M26 ← درخشان
← M27 ← درخشان
← M28 ← درخشان
← M29 ← درخشان
← M30 ← درخشان
← M31 ← درخشان
← M32 ← درخشان
← M33 ← درخشان
← M34 ← درخشان
← M35 ← درخشان
← M36 ← درخشان
← M37 ← درخشان
← M38 ← درخشان
← M39 ← درخشان
← M40 ← درخشان
← M41 ← درخشان
← M42 ← درخشان
← M43 ← درخشان
← M44 ← درخشان
← M45 ← درخشان
← M46 ← درخشان
← M47 ← درخشان
← M48 ← درخشان
← M49 ← درخشان
← M50 ← درخشان
← M51 ← درخشان
← M52 ← درخشان
← M53 ← درخشان
← M54 ← درخشان
← M55 ← درخشان
← M56 ← درخشان
← M57 ← درخشان
← M58 ← درخشان
← M59 ← درخشان
← M60 ← درخشان
← M61 ← درخشان
← M62 ← درخشان
← M63 ← درخشان
← M64 ← درخشان
← M65 ← درخشان
← M66 ← درخشان
← M67 ← درخشان
← M68 ← درخشان
← M69 ← درخشان
← M70 ← درخشان
← M71 ← درخشان
← M72 ← درخشان
← M73 ← درخشان
← M74 ← درخشان
← M75 ← درخشان
← M76 ← درخشان
← M77 ← درخشان
← M78 ← درخشان
← M79 ← درخشان
← M80 ← درخشان
← M81 ← درخشان
← M82 ← درخشان
← M83 ← درخشان
← M84 ← درخشان
← M85 ← درخشان
← M86 ← درخشان
← M87 ← درخشان
← M88 ← درخشان
← M89 ← درخشان
← M90 ← درخشان
← M91 ← درخشان
← M92 ← درخشان
← M93 ← درخشان
← M94 ← درخشان
← M95 ← درخشان
← M96 ← درخشان
← M97 ← درخشان
← M98 ← درخشان
← M99 ← درخشان
← M100 ← درخشان

The sun is setting → خورشید دارد غروب می کند

The setting sun → خورشید در حال غروب

The astronaut has repaired the telescope → فضانورد، تلسکوپ، تعمیر کرده است

The repaired telescope → تلسکوپ تعمیر شده

PAPCO M2 ← repaired ← تعمیر شده